



امارت اسلامی افغانستان
وزارت ارشاد، حج و اوقاف
ریاست عمومی ارشاد و انسجام مساجد



موضوع خطابات روز جمعه و تقریر و بیان
تحریر شده که به تمام خطباء مرکز و ولایات
به هر دو زبان ملی کشور (دري و پشتو) ارسال میگردد

۱۴/ صفر المظفر ۱۴۴۷ هـ، ق موافق ۱۷/ اسد ۱۴۰۴ هـ، ش

مسئولیت علماء کرام و نقش مؤثر آنان در اصلاح جامعه

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين، والصلاة والسلام على خاتم الأنبياء والمرسلين، نبينا محمد، وعلى آله وصحابته أجمعين، وعلى من تبعهم بإحسان إلى يوم الدين، وعلينا وعلى عباد الله الصالحين، أما بعد:
قال الله سبحانه وتعالى: (يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ). [المجادلة: ۱۱]

حضر محترم و گرامی!

السلام عليكم ورحمة الله وبركاته!

جامعه بشری هیچ گاه از بدبختی ها و چالش ها خالی نیست؛ مانند کفر و شرک، نادانی و جهالت، ظلم و بی عدالتی، تفرقه و اختلافات، معاملات حرام و ناپسند، حسد و کینه ها... و مانند این ها.

الله جل جلاله برای اصلاح تمام این بدبختی ها و چالش ها در هر زمان پیامبران و رسولانی را می فرستاد، و برای اصلاح و نجات جوامع، راه درست را نشان می دادند و از هرگونه اعمال ناروا و ناپسند بازمی داشتند؛ تا این که این سلسله پیامبری به بعثت حضرت محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم پایان یافت و الله جل جلاله آن حضرت را برای هدایت همه امت ها فرستاد.
حضرت رسول صلی الله علیه وسلم در زندگی خود همواره مردم را نصیحت می کرد، آنان را به راه هدایت فرا می خواند و از راه هلاکت نجات می داد.

زمانی که رسول الله صلی الله علیه وسلم از این دنیای فانی رحلت نمود، این مسئولیت را به امت خود و به ویژه به علمای کرام سپرد، و مسئولیت اصلاح جامعه از رسول الله صلی الله علیه وسلم به علمای کرام به ارث رسید؛ چنان که رسول الله صلی الله علیه وسلم فرموده اند: «وَإِنَّ الْعُلَمَاءَ وَرَثَةُ الْأَنْبِيَاءِ، وَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ لَمْ يُوْرَثُوا دِينَارًا وَلَا دِرْهَمًا، وَرَثُوا الْعِلْمَ». (سنن ابی داود، ج ۳، ص ۳۵۴ / سنن الترمذی، ج ۵، ص ۴۸)

ترجمه:- و بی گمان علما وارثان پیامبران اند، و پیامبران نه دینار و نه درهمی به ارث گذاشتند؛ بلکه آنان علم را به میراث گذاشته اند.

در شریعت اسلامی، مقام و فضیلت علمای کرام به همین دلیل بالا است، چون که علمای کرام وظیفه پیامبران را ادامه می دهند، جامعه را به راه درست هدایت می کنند و از هلاکت نجات می دهند.

الله جل جلاله فرموده است: (يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ) [سوره المجادله: آیه ۱۱]

ترجمه:- الله (جل جلاله) کسانی را از میان شما که ایمان آورده‌اند و آن‌هایی را که علم داده شده‌اند، درجات بلند می‌دهد. علماء پیام رسانان رسالت الله تعالی و دعوت‌کنندگان به سوی راه الله تعالی هستند.

الله جل جلاله فرموده است: (الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا) [سوره الأحزاب: آیه ۳۹]
ترجمه:- همان کسانی که پیام‌های الله را می‌رسانند، و از او می‌ترسند و از هیچ‌کس جز الله نمی‌هراسند، و الله کافی است به عنوان حساب‌گیرنده.

علماء کرام در همه زمان‌ها در جایگاه پیامبران قرار دارند و وظیفه هدایت مردم را به پیش می‌برند.
در آیه مبارکه دیگری چنین آمده است که از میان بندگان الله، فقط علما از او می‌ترسند. الله تعالی فرموده است: (إِنَّمَا يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ) [سوره فاطر: آیه ۲۸]

ترجمه:- بی‌گمان از بندگان الله، تنها علما از او می‌ترسند.
الله جل جلاله به اطاعت از علمای کرام و حاکمان وقت دستور داده است و فرموده است: (يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) [سوره النساء: آیه ۵۹]

ترجمه:- ای کسانی که ایمان آورده‌اید! اطاعت کنید از الله، و اطاعت کنید از رسول (او)، و از اولی الامر (رهبران) از میان خودتان.
وجه استدلال: جمهور مفسرین گفته‌اند که مقصود از (وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) علمای کرام و حاکمان سیاسی و امرا هستند.
امام ابو بکر بن العربی رحمه الله فرموده است: «وَالصَّحِيحُ عِنْدِي أَنَّهُمُ الْأُمَرَاءُ وَالْعُلَمَاءُ جَمِيعًا، أَمَّا الْأُمَرَاءُ فَلِأَنَّ أَصْلَ الْأَمْرِ مِنْهُمْ وَالْحُكْمَ إِلَيْهِمْ. وَأَمَّا الْعُلَمَاءُ فَلِأَنَّ سُؤَالَهِمْ وَاجِبٌ مُتَعَيِّنٌ عَلَى الْخَلْقِ، وَجَوَابُهُمْ لَازِمٌ، وَامْتِنَالُ فَتَوَاهُمُ وَاجِبٌ». (أحكام القرآن لابن العربي، ۳۵۵/۲)

ترجمه:- به نظر من قول صحیح این است که مراد از (وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ) هم امیران (حاکمان) و هم علما هستند؛ زیرا امر و فرمان در اصل از جانب حاکمان صادر می‌شود و حکم به آنان واگذار شده است، و اما علما؛ زیرا پرسیدن از آنان بر مردم واجب و متعین است، پاسخ‌گویی آنان نیز لازم است، و پیروی از فتوای آنان بر مردم واجب می‌باشد.
حضرت نبی علیه السلام فرموده است: «مَنْ يُرِدِ اللَّهُ بِهِ خَيْرًا يُفَقِّهْهُ فِي الدِّينِ». (متفق علیه)
ترجمه:- هر کس را که الله تعالی بخواهد برای او خیر و نیکی، او را در دین فقیه و دانا می‌گرداند.
علمای کرام و فقیهان گرامی اولیای واقعی الله تعالی‌اند.

فضل بن دُکین رحمه الله از امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله تعالی نقل کرده است و سلیمان بن ربیع رحمه الله از امام شافعی رحمه الله نقل نموده است که هر دو بزرگوار چنین می‌فرمودند: «إِنْ لَمْ يَكُنِ الْفُقَهَاءُ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ فِي الْآخِرَةِ فَمَا لِلَّهِ وَلِيٌّ». (الفقيه والمتفقه للخطيب البغدادي، ۱۵۰/۱؛ تفسیر الراغب الأصفهاني، ۶۷۲/۲)

ترجمه:- اگر فقها (و در برخی روایات آمده: علما) در آخرت اولیای الله نباشند، پس دیگر الله تعالی را ولی و دوستداری وجود ندارد. علماء همچون چراغی‌اند که در تاریکی‌های شب با نور آن راه‌ها پیدا می‌شود و روشنایی حاصل می‌گردد.

علماء در اصلاح جامعه نقش طبیب و داکتر را ایفا می‌کنند، و هرگاه مرض و بیماری ای را در جامعه مشاهده کنند، آن را معالجه می‌نمایند. علماء باید مانند چشم‌های بیدار جامعه باشند که همواره اوضاع جامعه را تحت نظر داشته باشند، و هرکاستی و نقصی که در جامعه ببینند، برای اصلاح آن آستین همت بالا زنند، فساد را از جامعه دور کنند و مردم و حاکمان را از پیامدهای ناگوار آفت‌های اجتماعی آگاه سازند؛ خواه آن فساد عقیدتی باشد، خواه عملی یا اخلاقی.

علما باید در برابر تمام این ناهنجاری‌ها بایستند و برای اصلاح جامعه، نظریات و پیشنهادات اصلاحی را برای مردم و حاکمیت مطرح کنند تا جامعه‌ای که دچار زخم و بحران شده، دوباره ترمیم و اصلاح گردد. مقام و فضیلت والای علمای کرام در دین به این خاطر است که مسئولیت‌های بزرگی را به دوش دارند. از جمله مسئولیت‌های دینی و شرعی علمای ربانی در راستای اصلاح جامعه و نقش تأثیرگذار آنان، موارد زیر است:

۱- نشر علم و دعوت مردم به سوی دانش:

دعوت مردم به علم و دانش و برچیدن بساط جهل و نادانی از جامعه، وظیفه پاک و مقدس علمای کرام است؛ همان وظیفه‌ای که وظیفه پیامبران و رسولان بوده است.

یکی از بیماری‌های خطرناک در جامعه، بیماری جهل است؛ زیرا تمام بیماری‌ها، آفت‌ها و خطرهای دیگر از جهل سرچشمه می‌گیرند. به همین دلیل، آغاز وحی برای امت محمدی صلی الله علیه وسلم با این آیات مبارکه بود: (اقْرَأْ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ ﴿۱﴾ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ ﴿۲﴾ اقْرَأْ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ ﴿۳﴾ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ ﴿۴﴾ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ) [سوره العلق: ۱-۵] ترجمه:- بخوان (ای محمد!) به نام پروردگاری که تو را آفرید. او انسان را از خون بسته (نطفه غلیظ و چسبناک) خلق کرد. بخوان، و پروردگار تو بزرگوارترین است، آن کسی که (به انسان) نوشتن با قلم را آموخت، و به انسان آنچه را که نمی‌دانست، تعلیم داد. علم، روشنایی است؛ علم راز پیشرفت است؛ علم شرط صحت عبادت و بندگی است.

به همین دلیل، آن کس که در موضوعی علم ندارد، الله جل جلاله امر فرموده که از علما سؤال کنند و از آنان علم بیاموزند؛ زیرا یکی از راه‌های فراگیری علم، پرسش است. چنان که الله جل جلاله فرموده است: (فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ) [سوره النحل: آیه ۴۳] ترجمه:- از اهل ذکر (یادآوران الهی، یعنی عالمان دین) بپرسید، اگر نمی‌دانید.

الله تعالی به حبیب خود محمد مصطفی صلی الله علیه وسلم می‌فرماید (يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنْزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَغْتَ رِسَالَتَهُ) [سوره المائدة: آیه ۶۷] ترجمه: ای پیامبر! آنچه از طرف پروردگارت بر تو نازل شده، به مردم برسان! و اگر چنین نکردی، رسالت او را انجام نداده‌ای.

علمای کرام که وارثان پیامبر صلی الله علیه وسلم هستند، اکنون همین وظیفه را به پیش می‌برند، وظیفه‌ای که پیامبر صلی الله علیه وسلم بر عهده داشت، یعنی رساندن احکام الهی. اکنون این وظیفه را علمای کرام به جای آن حضرت انجام می‌دهند و در این کار، نمایندگی آن حضرت را می‌کنند.

همچنان، رسول الله صلی الله علیه وسلم در یکی از موقعیت‌ها به صحابه کرام چنین فرمود: «أَلَا سَأَلُوا إِذْ لَمْ يَعْلَمُوا فَإِنَّمَا شِفَاءُ الْعِيِّ السُّؤَالُ». (سنن ابی داود، ج ۱، ص ۱۳۲) ترجمه: هشیار باشید! چرا نپرسیدند زمانی که نمی‌دانستند؟ همانا درمان نادانی، سؤال کردن است.

درنشر علم و مبارزه با جهل، نقش علمای کرام بسیار ارزشمند و حیاتی است. اگر علمای دین جلو جهل را نگیرند و از طریق منبر و مدرسه علم را در میان مردم منتشر نکنند، جامعه جاهل و ناآگاه باقی خواهد ماند و درنظر آنان، حلال و حرام، جایز و ناجایز، یکسان جلوه خواهد کرد.

امام سفیان ثوری رحمه الله فرموده است: (لا بد للدين من العلم، كما لا بد للجسد من الخبز). (تفسیر ابن کثیر، ج ۳، ص ۵۶۰) ترجمه:- دین به علم نیاز دارد؛ همان‌گونه که بدن به نان نیاز دارد.

نیکوست که در این باره به عمل امام مالک رحمه الله نیز نگاه کنیم؛ او به والی و حاکم وقت می‌فرمود: تاجران و اهل بازار را برای من جمع کن. امام مالک رحمه الله از تاجران و دکانداران سؤال می‌کرد؛ و هرکس که از احکام معاملات آگاهی نداشت و حلال و

حرام معاملات را نمی‌شناخت، او را از بازار بیرون می‌کرد و به او می‌گفت: اول احکام خرید و فروش را یاد بگیر، سپس برای فروش در بازار بنشین. (حاشیه الرهوني على شرح الزرقاني لمختصر خليل، ج ۵، ص ۳، دارالفکر)

این علمای کرام هستند که مردم را به سوی علم دعوت می‌کنند، نسل نو را با دانش تربیت می‌کنند، حلقه‌های دینی در مساجد برگزار می‌نمایند، از طریق درس‌های دینی و خطبه‌های منبر، مردم را با دین اصلی‌شان آشنا می‌سازند و احکام دین را به مردم عام بیان می‌کنند. آن‌ها حلال و حرام را برای مردم روشن می‌سازند، جایز و ناجایز را به آنان می‌فهمانند.

اگر علما نمی‌بودند و یا علمای حق‌گرا کار دعوت را انجام نمی‌دادند، امت اسلامی همچون دوران پاپ‌ها از دین خود بی‌خبر می‌ماند، پروردگار و خالق خود را نمی‌شناخت، و از احکام دین و مسئولیت‌های شرعی خود آگاهی نمی‌داشت.

این علما هستند که دعوت و تبلیغ دین را پس از وفات رسول الله صلی الله علیه وسلم تا به امروز همچنان زنده نگه داشته‌اند.

۲- آموزش عقیده صحیح اسلامی به مردم و جوانان :

بدیهی است که عقیده صحیح و درست همان است که از رسول الله صلی الله علیه وسلم، صحابه کرام، تابعین و تبع تابعین و بزرگان دین به ما رسیده است، و در این کار نقش مهم را علمای کرام ایفا کرده‌اند. اگر علماء عقیده اسلامی را به ما نیاموخته بودند، ما نیز مانند سایر مردمی می‌بودیم که در جوامع کفری زندگی می‌کنند و از عقاید خود بی‌خبر هستند.

اگر علما نمی‌بودند، هر کسی بر اساس میل و سلیقه خود برای خود عقیده‌ای انتخاب می‌کرد؛ یکی دهریت را انتخاب می‌نمود، دیگری به تناسخ الأرواح معتقد می‌شد، برخی عقیده داشتند که انسان از نسل میمون است، عده‌ای گیاهان و سنگ‌ها را پرستش می‌کردند.

این از برکت علمای حق‌پرست است که امروز همه ما، الحمدلله، به عقیده توحید آراسته‌ایم و به همان باورهای معتقد هستیم که پیامبر محبوب ما صلی الله علیه وسلم، صحابه کرام و سایر سلف و خلف و بزرگان دین بر آن عقیده داشتند.

این مسئولیت علمای کرام است که دین‌داری و ایمان‌داری را در دل‌ها و ذهن‌های مردم را سخ کنند، تا مسلمانان بتوانند با نیروی ایمان راسخ، در برابر هر نوع فتنه و فساد ایستادگی کنند.

این وظیفه دینی علمای کرام است که از طریق تدریس و آموزش، از راه حلقه‌های درسی برای کودکان و جوانان، و از منبر، عقیده شرعی و اسلامی را به مردم بیاموزند، و محبت با الله تعالی، محبت با رسول او محمد صلی الله علیه وسلم و سایر پیامبران را در دل‌های آنان نقش ببندند، و نیز معلومات مفصل درباره تمام ارزش‌های اسلامی در اختیار مردم قرار دهند.

آنان باید مردم را از لوازم و تقاضاهای کلمه شهادت آگاه سازند و اطلاعات لازم درباره عقاید و افکار کفری، الحادی و سکولاریستی به ایشان بدهند، تا اینکه مردم خصوصاً جوانان آن اعمالی را که با ایمان منافات دارند، بشناسند و خود را از آن‌ها دور نگه دارند.

علما، پاسداران و نگهبانان عقاید اسلامی‌اند. آنان کسانی‌اند که به شبهات و اعتراضات ملحدان، سکولارها، مستشرقین، یهود و نصارا درباره عقاید دینی پاسخ می‌دهند و در برابر جنگ فکری که علیه اسلام راه‌اندازی شده، ایستادگی می‌کنند؛ جنگی که از جنگ مسلحانه خطرناک‌تر است، چرا که در جنگ مسلحانه تنها عده‌ای از مسلمانان از میدان خارج می‌شوند، اما در جنگ فکری صدها جوان از صف اسلام جدا شده، از لحاظ اعتقادی از جامعه مسلمانان حذف می‌شوند و سپس علیه اسلام به کار گرفته می‌شوند.

از همین جهت نقش مؤثر علمای کرام، در حدیث شریف چنین یاد شده است: عبد الله بن عمرو رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا، رفعه قال: «يحمل هذا العلم من كل خلف عدوله ينفون عنه تحريف الغالين وتأويل الجاهلين وانتحال المبطلين». مسند البزار (۱۶/ ۲۴۷)

ترجمه:- از عبدالله بن عمرو بن عاص رضی الله عنهم روایت است که این روایت را به صورت مرفوع ذکر کرده‌اند که پیامبر صلی الله علیه وسلم فرمودند: این علم (علم شریعت) را در هر نسل، مردمان عادل به دوش می‌کشند، و آن را از تحریف تندروان، تأویل نادانان و نسبت‌های دروغین باطل‌گرایان پاک می‌سازند.

اگر علمای کرام وظیفه خود را ادا نکنند، در روز قیامت در صف کسانی قرار خواهند گرفت که علم را پنهان کرده‌اند. و به ایشان گفته خواهد شد: (ماذا عملت فیما علمت؟) چه کردی با آنچه آموخته بودی؟

عن أبي الدرداء رضي الله تعالى عنه أنه قال: «إنما أخشى- على نفسي- أن يقال لي على رؤوس الخلائق يا عويمر هل علمت فأقول نعم فيقال ماذا عملت فيما علمت؟» حلیة الأولیاء (۱/ ۲۱۴)

ترجمه:- از ابو درداء رضی الله عنه روایت است که می‌فرمود: من بر خود بیم دارم که روزی در برابر تمام مخلوقات به من گفته شود: ای عویمر! آیا دانستی؟ من بگویم: آری! دانسته‌ام. پس به من گفته شود: با آنچه دانستی، چه کرده‌ای؟

۳- ایجاد وحدت و یکپارچگی در جامعه اسلامی:

در ایجاد وحدت و یکپارچگی در جامعه و میان مسلمانان، علمای کرام نقش بسیار مهم و تأثیرگذار دارند. وحدت و یکپارچگی جامعه اسلامی از بزرگ‌ترین مقاصد شریعت اسلامی به شمار می‌رود و رکن عظیمی برای بقای جامعه اسلامی است.

علامه ابن عاشور می‌گوید: از مهم‌ترین مقاصد تشریع اسلامی، اتحاد امت اسلامی و ایجاد نظم در امورشان، تأمین مصالح جامعه اسلامی و دفع ضرر و فساد از آن است. مقاصد الشریعة الإسلامية؛ لابن عاشور (۳/ ۳۹۱)

الله متعال، امت اسلامی را به عنوان امت واحد تو صیف کرده و از تفرقه نهی نموده است، که تحقق وحدت و یکپارچگی در جامعه اسلامی بدون تلاش‌های علمای کرام ناممکن است. الله جل جلاله می‌فرماید: ﴿هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ﴾ [الأنبياء: ۹۲]

ترجمه:- «همانا این امت شما امت یگانه‌ای است، و من پروردگار شما هستم، پس تنها مرا عبادت کنید.»

در آیه مبارکه دیگر می‌فرماید: ﴿هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونِ﴾ [المؤمنون: ۵۲]

ترجمه:- «این امت شما، امت یگانه‌ای است، و من پروردگار شما هستم، پس از من بترسید (تقوا پیشه نمایید).

و در آیه مبارکه دیگر چنین آمده است: ﴿وَاَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا﴾ [آل عمران: ۱۰۳]

ترجمه:- و همگی به ریسمان خدا چنگ زنید و پراکنده نشوید.

زیرا این علما هستند که با حکمت، گناه‌کاران را نصیحت می‌کنند؛ خواه از رعیت باشند و یا حاکمان. و گمراهان را به راه راست هدایت می‌کنند، و میان نزاع‌کنندگان و درگیران صلح برقرار می‌نمایند. حقیقت این است که اکثریت امت به سخنان علما گوش می‌سپارند، سخنان شان را می‌شنوند، و به آنان اعتماد و باور دارند؛ پس راز وحدت و یکپارچگی جامعه در وجود علمای دلسوز و ربانی نهفته است.

وحدت در جامعه اسلامی هم به معنای وحدت میان رعیت و حاکمان است و هم به معنای اتحاد میان مردم عادی. و در هر دو بخش، نقش علمای کرام بسیار تأثیرگذار است.

در مورد همین نقش سازنده علمای کرام، الله متعال فرموده است که اگر مسلمانان ضعیف در زمان پیامبر صلی الله علیه وسلم حقایق اخبار و شایعات را به پیامبر و صحابه واگذار می‌کردند، علماء راه‌حل مناسب و شایسته‌ای برای آن می‌یافتند.

الله جل جلاله می فرماید: ﴿وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَى أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَتَبَعْتُمْ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا﴾ [النساء: ۸۳]

ترجمه:- و هنگامی که خبری از امنیت یا ترس به آنان برسد، آن را پخش می کنند؛ در حالی که اگر آن را به پیامبر و صاحبان امر خود ارجاع می دادند، قطعاً کسانی از ایشان که می توانند آن را استنباط کنند، حقیقت آن را می دانستند. و اگر فضل و رحمت خدا بر شما نمی بود، قطعاً جز اندکی، از شیطان پیروی می کردید.»

وجه استدلال: در این آیه، اشاره به نقش مثبت و مؤثر علمای کرام در مسائل اجتماعی شده است. همچنین در این آیه تصریح شده است که مسلمانان باید مسائل و موضوعات خود را به علما عرضه کنند تا برای آنان راه حل مشروع و عادلانه ارائه دهند. {أُولِي الْأَمْرِ} قال ابن عباس وجابر رضي الله عنهما: هم الفقهاء والعلماء الذين يعلمون الناس معالم دينهم. تفسير البغوي (۲/ ۲۳۹) ترجمه:- عبدالله بن عباس و جابر رضی الله عنهما می گویند که مقصود از "اولی الامر"، فقیهان و علمایی هستند که احکام دین را به مردم می آموزند.

امام خازن رحمه الله در تفسیر خود در مورد آیه ﴿لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ﴾ می نویسد: (أي يستخرجون تدبيرة بذكائهم وفطنتهم وتجاربهم ومعرفتهم بأمور الحرب وما ينبغي لها ومكائدها، وهم العلماء الذين علموا ما ينبغي أن يكتف من الأمور وما ينبغي أن يذاع منها). تفسير الخازن (۱/ ۵۶۴)

ترجمه:- یعنی ایشان (علماء) با ذکاوت، زیرکی، تجربه ها و آگاهی از امور جنگ و آنچه برای آن لازم است و تدبیرهای آن، راه حل مسائل را استخراج می کنند. ایشان همان علمایی هستند که می دانند کدام مسائل باید پنهان بماند و کدام باید آشکار شود. علمای کرام مانند پلی میان رعیت و حاکمان اند، و در تاریخ اسلام، برای حفظ اتحاد مسلمانان تلاش های فراموش نشدنی کرده اند. آنان مردم را در برابر حاکمان گرد آورده اند، و از شورش در برابر آنان بازداشته اند؛ همچنین همواره با حکمت، به حاکمان اسلامی نصیحت کرده اند، آنان را متوجه حقوق رعیت و مشکلات جامعه ساخته اند.

روزی امیر المؤمنین عمر بن عبدالعزیز رحمه الله از حسن بصری رحمه الله خواست تا صفات حاکم عادل و ولی الامر را برایش بیان کند. پس حسن بصری رحمه الله در پاسخ چنین نوشت: (اعلم يا أمير المؤمنين، أن الله جعل الإمام العادل قوام كل مائل، و صلاح كل فاسد، وقوة كل ضعيف، ونصفة كل مظلوم، ومفزع كل ملهوف، وهو القائم بين الله وبين عباده. يسمع كلام الله ويسمعهم، وينظر إلى الله ويريههم، وينقاد إلى الله ويقودههم، وهو كالعبد الذي ائتمنه سيده واستحفظه ماله وعباله، وهو الذي لا يحكم في عباد الله بحكم الجاهلية، ولا يسلك بهم سبيل الظالمين، ولا يسلط المستكبرين على المستضعفين، فهو وصي اليتامى، وخازن المساكين، يربي صغيرهم ويمون كبيرهم، والإمام العادل يا أمير المؤمنين كالقلب بين الجوارح، تصلح الجوارح بصلاحه، وتفسد بفساده. والإمام العادل يا أمير المؤمنين هو القائم بين الله وبين عباده، يسمع كلام الله ويسمعهم، وينظر إلى الله ويريههم، وينقاد لله ويقودههم. فلا تكن يا أمير المؤمنين فيما ملّكك الله كعبد ائتمنه سيده واستحفظه ماله وعباله، فبدد المال وشرّد العيال فأفقر أهله وأهلك ماله). العقد الفريد، لابن عبد ربه (ص: ۱۸)، نهاية الأرب في فنون الأدب، للإمام النووي (۶/ ۳۵)

ترجمه:- بدان ای امیر المؤمنین! که خداوند، امام و حاکم عادل را برپادارنده هر کجروی، اصلاح کننده هر فاسد، نیرو و توان هر ناتوان، یاور هر مظلوم و پناهگاه هر بی پناه قرار داده است، و او کسی است که میان خدا و بندگان قرار دارد. او سخن خدا را می شنود و آن را به مردم می شنواند، به خدا می نگرد و آنان را نیز متوجه خدا می سازد، خود به خدا تسلیم است و مردم را نیز به سوی او هدایت می کند. او همچون بنده ای است که مولایش او را امین شمرده و مال و خانواده اش را به او سپرده است. امام عادل کسی نیست که در میان بندگان خدا به حکم جاهلیت داوری کند، یا آنان را در مسیر ستمگران ببرد، و مستکبران را بر

مستضعفان مسلط گرداند. او وصی یتیمان، خزانه‌دار مستمندان، پرورش‌دهنده کودکان و تأمین‌کننده بزرگ‌تران آنان است. امام عادل، ای امیر المؤمنین! همانند قلب در میان اعضای بدن است؛ اعضا با صلاح او اصلاح می‌شوند، و با فساد او فاسد می‌گردند. امام عادل، ای امیر المؤمنین! کسی است که میان خدا و بندگان قرار دارد؛ سخن خدا را می‌شنود و به مردم می‌شنواید، به خدا می‌نگرد و ایشان را نیز به سوی خدا می‌نگراند، خود مطیع خداست و آنان را نیز به طاعت خدا می‌برد.

پس مبادا ای امیر المؤمنین! در آنچه خداوند به تو سپرده، مانند آن بنده‌ای باشی که مولایش او را امین دانست و مال و خانواده‌اش را به او سپرد، ولی او مال را تباه ساخت و خانواده را پراکنده کرد، پس خانواده‌اش را فقیر ساخت و مال مولای خود را نابود کرد. علمای کرام در جامعه مانند قلب در بدن اند و اصلاح جامعه وابسته به اصلاح علماست، و فساد جامعه نیز به فساد علما بازمی‌گردد. همچنین، اگر در جایی میان مردم اختلاف، نفاق، جدایی، جنگ و نزاع وجود داشته باشد، این وظیفه علماست که میان آنان اصلاح و سازش برقرار کنند و تمام اسباب اختلاف را از میان بردارند.

چنان که شعیب علیه السلام به قوم خود فرمود: ﴿إِنْ أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ﴾ [هود: ۸۸]

ترجمه:- «من جز اصلاح — تا آنجا که توان دارم — چیزی نمی‌خواهم، و توفیق من جز به وسیله خدا نیست؛ بر او توکل کرده‌ام و به سوی او بازمی‌گردم.»

۴- امر به معروف و نهی از منکر و حفاظت جامعه از انواع فساد:

برای اصلاح جامعه و حفظ جامعه اسلامی از آفات، فسادها و منکرات، بر هر مسلمان واجب است به اندازه علم و توان خویش اقدام نماید. اما امر به معروف و نهی از منکر، مسئولیت اصلی علماست.

علما باید جامعه را از هرگونه کارهای زشت، ناپسند، ناروا و حرام و تمام چیزهایی که شرعاً و عقلاً ناپذیرفتنی است (که در شریعت به آنها «منکر» گفته می‌شود) بازدارند. همچنین باید مردم را به تمام اعمال نیک، اخلاق پسندیده، عادات نیکو، و صفات خوب (که در شریعت به آن «معروف» گفته می‌شود) امر نمایند، که شرعاً و عقلاً پسندیده و ستوده‌اند.

در جامعه، امر به معروف و نهی از منکر بر هر مسلمان به اندازه دانش و توانش واجب است، و این عمل در اصل از وظایف دولت و علمای دین به شمار می‌رود. از همین رو، بعضی از مجتهدین بر این باورند که امر به معروف و نهی از منکر محور بزرگ دین است و اختصاص به علماء دارد؛ چرا که شناخت معروف‌ها و منکرها، و دانستن مراحل امر و نهی، تنها شایسته علماست، و مردم عوام آن قدر دانش ندارند که در این مسائل به درستی عمل کنند.

الله جل جلاله فرموده است: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾ [النحل: ۱۲۵]

ترجمه:- «(ای پیامبر!) مردم را به راه پروردگارت با حکمت و پند نیکو دعوت کن، و با آنان به شیوه‌ای که نیکوتر است، مناظره نما.» و در آیه مبارکه دیگری می‌فرماید: ﴿وَلْتَكُنْ مِنْكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ﴾ [آل عمران: ۱۰۴]

ترجمه:- «و باید از میان شما گروهی باشند که (مردم را) به نیکی دعوت کنند، و به معروف امر کنند، و از منکر بازدارند، و آنانند رستگاران.»

وجه استدلال: برخی از مفسران و مجتهدان بر این باورند که در این آیه (من) برای تبعیض است، و امر به معروف و نهی از منکر وظیفه کسی است که در این فن دارای علم باشد. امام قرطبی این قول را راجح دانسته است. برخی دیگر از علما گفته‌اند که این وظیفه دولت است.

امام نسفی رحمه الله نوشته است: (ومن للتبعيض؛ لأن الأمر بالمعروف والنهي عن المنكر من فروض الكفاية، و لأنه لا يصلح له إلا من علم بالمعروف والمنكر وعلم كيف يرتب الأمر في إقامته فانه يبدأ بالسهل فان لم ينفع ترقى إلى الصعب). مدارک التنزیل (۱/ ۱۷۱) ترجمه:- (و من برای تبعیض است، چون امر به معروف و نهی از منکر از فروض کفایی است و نیز به این دلیل که تنها کسی می تواند این کار را درست انجام دهد که شناخت درست از معروف و منکر داشته باشد و بداند که چگونه باید در اجرای آن ترتیب قائل شود؛ به گونه ای که ابتدا از راه آسان آغاز کند و اگر مؤثر واقع نشد به مرحله سخت تر برود.) اما نظر میانه و معتدل آن است که امام ابواللیث در تفسیر خود نقل کرده و آن چنین است: (إن الأمراء يجب عليهم الأمر والنهي باليد والعلماء باللسان والعوام بالقلب). بحر العلوم - (۱/ ۲۶۱)

ترجمه:- بر امیران و حاکمان واجب است که امر به معروف و نهی از منکر را با دست انجام دهند؛ بر علما با زبان، و بر مردم عادی با قلب واجب است که منکر را انکار کنند.

بر این اساس، این مسئولیت شرعی هر عالم است که جامعه را از هرگونه عقاید نادرست، افکار انحرافی، اخلاق بد، عادت های ناپسند و اعمال ناروا حفظ کند.

علماء مسئولیت دارند که در کنار نظام، مردم را به کارهای نیک فرا بخوانند، فواید دنیوی و اخروی کارهای نیک را برایشان روشن سازند، و آنان را از کارهایی که در شریعت نکوهیده شده و در دنیا و آخرت زیان آورند بازدارند. علماء کرام مسئولیت نصیحت کردن مردم را دارند.

الله متعال ستایش کرده کسانی را که به سوی راه حق دعوت می کنند و فرموده است: (وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ إِنَّنِي مِنَ الْمُسْلِمِينَ) [سوره فصلت: ۳۳]

ترجمه:- چه کسی نیکوتر گفتاری دارد از آن کسی که مردم را به سوی خدا دعوت کند و خود کار نیک انجام دهد و بگوید: من از مسلمانانم.

در عصر- معاصر، منکرات در جامعه به اشکال و رنگ های گوناگون ظاهر شده اند. اگر علما در این زمینه با نظام همکاری نکنند، گناه ها و جرایم به حدی افزایش می یابند که مهارشان ناممکن خواهد شد و ما در ادای مسئولیت مان کوتاهی کرده ایم. آنگاه در عذاب الهی گرفتار می شویم و هرچند دعا کنیم، مستجاب نخواهد شد.

چنان که در حدیث شریف آمده است: «وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَتَأْمُرَنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ أَوْ لَيُوشِكَنَّ اللَّهُ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عِقَابًا مِنْهُ ثُمَّ تَدْعُوهُ فَلَا يَسْتَجَابُ لَكُمْ». سنن الترمذی (۴/ ۴۶۸)

ترجمه:- «قسم به آن ذاتی که جانم در دست اوست، حتماً شما باید امر به معروف کنید و نهی از منکر نمایید، وگرنه نزدیک است خداوند از جانب خود عذابی بر شما فرو فرستد، سپس او را می خوانید ولی دعای شما پذیرفته نمی شود.» سنن ترمذی (۴/ ۴۶۸)

۵- علما باید در جامعه نقش رهبری و پیشوایی را ایفا کنند تا مردم از آنان پیروی نمایند:

عالم ربانی نماد اقتدا و الگوپذیری است و کلید کامیابی جامعه به شمار می رود؛ زیرا خداوند فرموده است: (وَلَكِنْ كُونُوا رَبَّانِيِّينَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ تَدْرُسُونَ) [سوره آل عمران: ۷۹]

ترجمه:- بلکه ربانی باشید (یعنی اهل علم و تربیت)، به سبب آنکه کتاب خدا را تعلیم می دادید و آن را می آموختید.

امام طبری رحمه الله عالم ربانی را چنین تعریف کرده است: ربانی آن عالمی است که افزون بر علم و فقه، در سیاست و تدبیر نیز بصیرت داشته باشد، در امور رعیت اهتمام ورزد و آنچه را که برای منافع دنیوی و اخروی مردم لازم است، انجام دهد. طبری ۳۵۱/۵

عالم ربانی کسی است که شب و روز در پی اصلاح جامعه اسلامی باشد، و هر کاری که انجام می دهد یا برای مردم ارائه می نماید، هدفش فقط رضایت خدا باشد و مال دنیا، شهرت، مقام و منصب در دلش جایی نداشته باشد. جامعه انسانی نیازمند الگویی نیکوست که در رفتار، کردار و زندگی روزمره از او پیروی کند، گام به گام در مسیر او حرکت کند و اخلاق، عادت ها و صفات او را الگوی خویش قرار دهد.

بنابراین، لازم است که علمای کرام خود را مطابق شریعت شکل دهند تا برای مردم نمونه ای در شناخت حق باشند و سبب هدایت آنان شوند. الله جل جلاله می فرماید: لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُو اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا [الاحزاب: ۲۱] ترجمه:- برای شما در رسول الله صلی الله علیه و سلم الگوی نیکویی است، برای کسی که به الله و روز آخرت امید دارد و الله را بسیار یاد می کند.

یا این که برای شما نفس شریف رسول الله صلی الله علیه و سلم الگوی نیکی است، و سزاوار است که از او پیروی شود. (روح المعانی ۱۶۷/۲۱)

پس علمایی که ادعای وراثت پیامبر علیه السلام را دارند، باید اخلاق، عادات، حرکات، سکنتات، گفتار، و کردار خود را همانند رسول الله صلی الله علیه و سلم سازند، تا مردم از صفات آن حضرت پیروی کنند.

الله جل جلاله به پیامبر محبوب خود فرمان می دهد که: آن پیامبرانی که پیش از تو بودند، ما آن ها را هدایت کرده بودیم، پس تو نیز از هدایت آنان پیروی کن: (أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَى اللَّهُ فَبِهِدَاهُمُ اقْتَدِهْ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ) [الأنعام: ۹۰] ترجمه:- آنان کسانی اند که الله آنان را هدایت کرده، پس تو نیز از هدایتشان پیروی کن، و بگو: من در برابر این (دعوت) از شما هیچ مزدی نمی خواهم، این جز تذکری برای جهانیان نیست.

اگر علمای دین به اسباب دنیوی روی آورند و هدف زندگی خود را دنیا قرار دهند، در چشم مردم جایگاه و ارزش شان کاهش می یابد، و از اقتدا و پیروی مردم محروم می گردند.

أَقُولُ قَوْلِي هَذَا، وَأَسْتَغْفِرُ اللَّهَ لِي وَلَكُمْ، فَاسْتَغْفِرُوهُ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ.